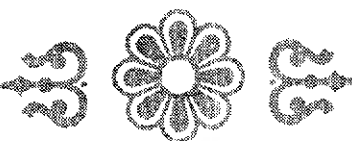


گزارشی از ویرایش جدید و کامل

## ترجمه قرآن شادروان مهدی الهی قمشه ای

حسین استادولی



عصر حاضر عصر نهضت ترجمه قرآن کریم است. در این روزگار، به ویژه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و پیدایش فضایی باز برای تحقیق در گستره علوم اسلامی، قرآن پژوهانی شایسته، نهایت کوشش خود را به کار گرفته و ترجمه های گوناگونی، با ویژگی یا ویژگی های خاص خود، از این کتاب روح بخش الهی عرضه کرده اند. سعی همه مشکور باد.

درباره جواز ترجمه، دستمایه های مترجم، ویژگی های یک ترجمه دلپسند و جز آن، به حد کافی سخن رفته و تکرار آن ملال آور است. آن چه گفتنی است ویژگی های کلی ترجمه ها و وجود نیاز و زمینه خالی برای کار تازه است. ترجمه های موجود هر کدام نقصی دارند و کمالی؛ که اشاره به آن ها و ارائه نمونه، مجال گسترده می طلبد. یکی از دقت خوب برخوردار است اما تحت اللفظی و نامفهوم است. دیگری خوش قلم و روان اما سرسری و بدون دقت است. سومی دو ویژگی گذشته را دارد اما فاقد شرح لازم است. چهارمی مشروح است اما شرح آن یا من درآوردی و براساس آراء شخصی است و یا آمیخته به متن است و تمایزی میان کلام خالق و مخلوق نگذارده است. ارائه نمونه در این باره نیز شرح کشافی می شود و مثنوی هفتاد من کاغذ.

در میان ترجمه های قدیم و جدید، ترجمه شادروان مرحوم الهی قمشه ای - اعلی الله

مقامه - از نظر شهرت و تیراژ، گوی سبقت را از دیگر ترجمه ها ربوده است. سالهاست که این ترجمه مکرر چاپ می شود و در اختیار خاص و عام قرار می گیرد. بخشی از این بخت بلند، مرهون صفا و اخلاص مترجم گرانقدر آن است و بخش دیگر مرهون عدم ضابطه و انضباط در چاپ آن از نظر حقوقی است. این رشته نیز سر دراز دارد.

### شرح حال مترجم

مرحوم میرزا مهدی الهی قمشه ای (۱۲۸۳ - ۱۳۵۲ ش) از حکمای معاصر، ادیبی مشهور، عارفی متشرع، صاحبذلی کم بدیل، شاعری مفلق و مترجمی زبردست بوده است. برخی از علما و حکمای عصر حاضر چون آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله جوادی آملی محضر درس پرفیض آن مرحوم را درك کرده اند و از انفاس قدسی او بهره جسته اند. آن مرحوم در معرفی خویش فرموده است:

من آن رخشنده شمعم که آتش عشق  
مرا دل سوزد و پروانه را پر  
الهی طبع و مهدی نام و در عشق  
لقب گردیده محیی الدین مقرر  
در خلق و خوی آن حکیم وارسته هرچه گویند کم است؛ همین بس که مقامات و مناصب عاریت دنیوی در چشم عارفانه وی پیشیزی نمی ارزید. از نام و عنوان و شهرت به سختی منزجر بود. عفت کلام داشت و از لغو اعراض می کرد. مرحوم استاد علامه طباطبایی (ره) در جلسه ختم آن بزرگوار فرمود: «در این سال دو فرد روحانی که خیلی به روحانیت آنها ایمان داشتم از دست ایران به در رفت، یکی مرحوم آقای [حاج شیخ محمدتقی] آملی و دیگری مرحوم آقای قمشه ای».

مرحوم الهی، علاوه بر تدریس در حوزه و دانشگاه، در رشته های فلسفه و حکمت و سایر علوم اسلامی، آثار علمی چندی از خود به جای گذاشته است. مشهورترین آنها که مناسب بحث ماست: ترجمه و خلاصه التفسیر قرآن کریم، ترجمه و شرح صحیفه سجاده و ترجمه ادعیه مفاتیح الجنان است<sup>۱</sup>.

### ویژگی های این ترجمه

این ترجمه از ویژگی های مثبت و منفی برخوردار است. ویژگی های مثبت آن عبارت اند

از: ۱. اخلاص و صفای باطن مترجم که بی شک در عبارات این ترجمه تأثیر نهاده و نورانیت خاصی بدان بخشیده و خواننده را در مواردی تحت تأثیر قرار می دهد. ۲. قلم روان و انشای سلیس مترجم که فهم عبارات آن را آسان کرده است. ۳. همان گونه که از نامش پیداست دارای خلاصه التفسیر است و توضیحات کوتاه میان پراکنش مفیدی دارد که فهم آیه را روشن می سازد.

اما ویژگی های منفی آن (علی رغم همه ویژگی های مثبت آن) اندک نیست و برشماری آنها در این مقال نمی گنجد. در این جا این نواقص را دسته بندی کرده و از هر کدام چند نمونه (از سوره بقره و آل عمران) نشان می دهیم.<sup>۲</sup>

۱. بی دقتی و سرسری کارکردن: در این بخش نمونه فراوان است؛ برخی مربوط به عدم توجه به ضمائر است که مفرد به جمع و به عکس؛ غایب به حاضر و به عکس ترجمه شده است، مانند: ۲۸/۲؛ ترجمون (باز خواهید گشت ← بازتان خواهند گردانید). ۱۶۹/۳؛ ولا تحسبن (البته نپندارید ← نپندار). ۱۴۵/۳؛ وسنجزی الشاکرین (سپاسگزاران را جزای نیک خواهد داد ← خواهیم داد).

برخی مربوط به بدخوانی کلمه است، مانند: ۲۶۵/۲؛ کمثل جنّة (مثل دانه ای است ← مثل بوستانی است) که جنّة، حبه خوانده شده است. و در بسیاری موارد: السموات (آسمان ← آسمانها).

و برخی مربوط به نکته ها و ریزه کاری های آیات است، مانند: ۱۷۴/۲: ما یا کلون فی بطونهم الا النار (جز آتش جهنم نصیب آنها نباشد)، توجه شود که اصلاً به مفهوم جالب آیه که «خوردن آتش و فروبردن آن در شکم است و این که آنچه با مال حرام خورده می شود تجسم پیدا می کند و در شکم به آتش تبدیل می گردد» عنایتی نشده است.

و برخی مربوط به عدم توجه به قرائت فعلی قرآن است، مانند: ۱۴۶/۳؛ فکاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر (چه بسیار رخ داده که پیغمبری جمعیت زیادی از پیروانش در جنگ کشته شده ← جمعیت زیادی از پیروانش همراه او جنگیدند) که ایشان براساس قرائت قتل ترجمه کرده است.

۲. ضعف ادبی: مانند: ۱۷/۲: اضاءت ما حوله (اطراف خود را روشن ساخت ← اطراف او را روشن ساخت) زیرا اگر ضمیر به «نار» باز می گشت باید «حولهها» می بود.

۳۳/۲؛ کنتم نکتمون (پنهان دارید ← پنهان می داشتید). ۵۸/۳؛ والذکر الحکیم (و ذکر حکمت‌های خدای حکیم است ← و ذکر حکیم (یعنی قرآن) است). صفت و موصوف به صورت مضاف و مضاف الیه درآمده است: ۱۵۳/۳؛ علی ما فاتکم ولا ما اصابکم (برای از دست رفتن یا به دست آوردن چیزی ... ← برای از دست رفتن چیزی یا مصائبی که به شما می رسد) توجه شود که ما اصابکم، ما اصبتم ترجمه شده. ۱۶۴/۳؛ وان کانوا من قبل ... (هرچند که پیش از آن ← و همانا پیش از آن)، موارد دیگر این مؤکده نیز این وصلیه ترجمه شده است. ۱۷۰/۳ و ۱۷۱؛ یستبشرون بالذین ... یستبشرون بنعمة ... (بشارت و مژده دهند به آن مؤمنانی که ... بشارت به نعمت و فضل خدا دهند ← شادمانند از احوال مؤمنانی که ... شادمانند به نعمت و فضل خداوند) یستبشرون، یبشرون ترجمه شده. از این دست است سوره ۲۲/۷؛ فدلّیّهما بغرور (پس راهنمایی به فریب و دروغ کرد ← پس با فریبی آنان را (از آسمان به زمین) فرود آورد) که دلی، دلیل دانسته شده. و ۱۵۶/۷؛ انا هدنا الیک (ما به سوی تو هدایت یافته ایم ← ما به سوی تو توبه آوردیم). هود با هدی اشتباه شده است.

۳. آمیختگی متن و شرح: در این باره نمونه های فراوانی وجود دارد که به ذکر دو نمونه اکتفا می شود. ۷۵/۳؛ ... ذلك بأنهم قالوا لیس علینا فی الامین سبیل (و برخی دیگر از اهل کتاب (یهود تا آن اندازه نادرستند که) اگر یک دینار به آنها امانت دهی رد نکنند ... از این رو که گویند: برای ما پیروان کتاب تورات به هر وسیله خوردن مال غیر اهل تورات گناهی ندارد ← از این رو که گویند: امیان را بر ما راه و حق اعتراضی نیست). ملاحظه می شود که در ترجمه فوق، به هیچ وجه نمی توان متن را از شرح باز شناخت.

۱۴۳/۳؛ ولقد کنتم تمنون الموت من قبل ان تلقوه، فقد رأیتموه و انتم تنظرون (و شما باید که با کمال شوق آرزوی کشته شدن در راه دین می کردید پیش از آن که دستور جهاد برای مسلمین بیاید، پس چگونه امروز که به جهاد مأمور شدید سخت از مرگ نگران می شوید؟ ← و محققاً شما (پس از جنگ بدر شوق شهادت در سر داشتید و) پیش از روبرو شدن با مرگ (در جنگ احد) آرزوی مرگ می کردید و اینک (در جنگ احد) آن را عیان می بینید و بدان می نگرید (اما اقدام نمی کنید و خود را به کام مرگ نمی فرستید!)

ملاحظه می شود که ترجمه فوق اولاً از نظر تفسیری درست نیست، زیرا آیه مربوط به پس از جنگ بدر است که دستور جهاد آمده بود نه مربوط به زمانی که هنوز حکم جهاد نرسیده

بود. ثانیاً متن و شرح چنان به هم آمیخته است که امکان جداسازی وجود ندارد. ثالثاً تنظرون به معنای نگرانی و اضطراب گرفته شده است. در ویرایش جدید، این آیه به این صورت اصلاح شده است: (و محققاً شما (با کمال شوق) آرزوی مرگ (و کشته شدن در راه دین) می کردید پیش از آنکه (جنگ احد فرارسد و رویاروی) آن را ببینید، پس اینک آن را دیدید و به آن می نگرید (پس چرا اقدام نمی کنید بلکه سخت از مرگ نگرانید؟)

۴. نقل به معنی: در این بخش موارد بی شماری وجود دارد. از باب نمونه، در ۷۸/۳: یلوون السنتم بالکتاب (زبانشان را به خواندن کتاب می چرخانند) ترجمه شده: (قرائت کتاب آسمانی را تغییر می دهند). یا مثلاً کلمه عظیم در ۱۷۴/۳ «بی متتها» و در ۱۷۶/۳ «سخت» ترجمه شده است؛ که هر کدام به مناسبت پیام کلی آیه می باشد.

۵. افتادگی ها: این مورد هم نمونه هایی دارد، از جمله: ۷/۳ عبارت وابتغاء تاویل، و در ۱۵۱/۲ کلمه منکم در رسولا منکم و در ۶۱/۳: انفسنا و انفسکم ترجمه نشده است. و نیز واوهای عطف به جملات محذوف ترجمه نگردیده است، مانند ۱۴۰/۳ و امثال آن.

۶. نقص ویرایش: این ترجمه از ویرایش صحیحی برخوردار نیست و موارد آن از حد شمار بیرون است و جای پرانتزها اصلاً حساب و کتابی ندارد.

۷. اجمال ها و تفصیل ها: در موارد بسیاری شرح لازم نبوده و شرح داده شده و در موارد بسیاری از توضیح لازم صرف نظر گردیده است که ذکر نمونه های آنها به طول می انجامد.

### نقدها

بر این ترجمه نقدهایی نوشته شده است. نخستین آنها نقد مرحوم پاینده است که در مقدمه ترجمه خود تا حدی بدان پرداخته است. نقد دوم، نقد مختصری است از آقای سید عبدالوهاب طالقانی منحصر در ده آیه که نویسنده از مجموع یادداشت های خود گزینش کرده است. این نقد در مجله کیهان اندیشه (ویژه نامه قرآن، شماره ۲۸، بهمن و اسفند ۱۳۶۸) چاپ شده است. نقد سوم که از همه مشروح تر است نقد دانشمند محترم، قرآن پژوه مشهور و خدوم معاصر، جناب آقای بهاء الدین خرمشاهی است. این نقد که با حوصله فراوان و صرف وقت بسیار و مراجعه به منابع گوناگون نوشته شده و شامل ۲۰ جزء قرآن کریم می شود، ۷۵ صفحه از کتاب پرارزش قرآن پژوهی ایشان را در بر گرفته است.

از نقدهای موجود، همه مواردی که مورد قبول بوده، استفاده شده و در اصلاح ترجمه از آنها بهره گیری شده است.

### اصلاحات انجام شده

تا آن جا که بنده اطلاع دارم، اصلاحاتی روی این ترجمه از سوی فرزندگرامی مترجم، دانشمند گرامی جناب آقای دکتر حسین الهی انجام گرفته که ترجمه اصلاح شده توسط انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است. این اصلاحات بیشتر در حد بعضی الفاظ و جابجا کردن برخی افعال و اصلاح برخی اغلاط خیلی مشهور است و ویرایش اساسی نیست.

### اختلاف نسخه ها

نگارنده آگاه نیست که نخستین نسخه چاپ شده در چه سالی و با چه کیفیتی بوده است. اما در حال حاضر دو نسخه از این ترجمه در اختیار دارد: ۱. نسخه ای به خط نستعلیق مرحوم استاد سید حسین میرخانی (متن و ترجمه). متن قرآن آن یک بار در سال ۱۳۲۳ نوشته شده، سپس در سال ۱۳۳۹ (رجب ۱۳۸۰) با تحریر مجدد و تجدیدنظر همراه با ترجمه توسط انتشارات اسلامیة به چاپ رسیده است. ۲. نسخه ای حروفی که در دهه ۵۰ توسط انتشارات عبدالرحیم علمی چاپ گردیده است.

شگفت آن که نسخه اول به مراتب از نسخه دوم بهتر و صحیح تر است. از باب نمونه: ۳۶/۲: آخرجهما در نسخه اول «بیرون کرد» و در نسخه دوم «کردیم» آمده. و در ۳۶/۳: واللّه اعلم بما وضعت، در نسخه اول آمده: (و خدا بر آنچه [او] زاییده داناتر است) و در نسخه دوم آمده: (و ایزدا: تو بر آن داناتری که چرا مرا فرزند ذکور بخشیدی)، که در هر دو مورد نسخه اول صحیح است.

از این جا معلوم می شود که ترجمه مرحوم الهی دستکاری شده، در برخی تصحیح و در برخی تحریف صورت گرفته است.

### ویرایش حاضر

از آن رو که ترجمه شادروان مرحوم الهی قمشه ای تا حال مشهورترین و پرتیراژترین و

سهل الوصول ترین ترجمه ها بوده است، ضروری می نمود که اصلاحی کلی درباره آن صورت گیرد. اما همان گونه که جناب آقای خرمشاهی فرموده اند این کار یک نفر نیست و باید لجنه ای تشکیل شود و به کار ویرایش، تهذیب و تنقیح این ترجمه پردازد. ولی این آرزوی پاک ایشان تا حال جامه عمل پوشیده تا سرانجام «قرعه کار به نام من دیوانه زدند». امید آن که یونس وار در این فال از مُدَحِّصین نباشم (فساهم فکان من المدحِّصین - صافات / ۳۷ / ۱۴۱) بلکه چون او به ذکر حق مترنم باشم و دستگیری خداوند از من به نجات آن حضرت ماند که: وَتَجِنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نَنْجِي الْمُؤْمِنِينَ (انبیاء / ۲۱ / ۸۸).

از سالی که به ویرایش ترجمه آقای دکتر سید جلال الدین مجتبوی پرداختم در اندیشه این کار بودم. کم و بیش اقداماتی کردم ولی کاری از پیش نرفت، تا آن که چند ماه پیش یکی از ناشران فعال، پرسابقه و خدمتگزار علوم دینی، به ویژه در زمینه متون کهن و معتبر و پر حجم اسلامی، مدیر محترم دارالکتب الاسلامیه، جناب آقای حاج آقا مرتضی آخوندی - زید عزه و توفیقه - داوطلب چاپ این ترجمه با ویرایش کامل شدند و انجام این کار را به این بنده پیشنهاد کردند. این پیشنهاد جامه عمل پوشید و از همان زمان کار شروع شد و اینک جزء چهارم آن پایان یافته است.

## روش کار

همان گونه که گفته شد در این ترجمه خلط متن و شرح بسیار است و شروح غیر ضروری، بی اندازه. مثلاً در بیشتر جای ها، مرجع ضمیرها ظاهر شده و مفعول و متعلقات فعلها و صفاتی از قبیل «عالم، عالم، سمیع، بصیر و ...» بیان شده که عالم به چه و شنوای چه! در آغاز بنا داشتم این گونه موارد را از شرح جدا نسازم و تنها توضیحات شرح گونه را جدا کنم تا فراوانی پرانترها خواننده را گیج و گم نکند، ولی در نهایت به جهت حفظ امانت در کلام الهی و رعایت اصول فنی ویرایش، تا حد ممکن این جداسازی را انجام دادم اما به گونه ای که اگر پرانترها حذف شود هیچ گونه خللی در متن ایجاد نگردد.

درباره همه تفسیرهایی که مترجم آورده، نخست به تفسیر شریف مجمع البیان و گاه به تفاسیر دیگر مراجعه کردم، اگر تفسیر مذکور با قول یکی از مفسران تطبیق داشت، همان را باقی نهادم و تصرفی در آن نکردم، گرچه خود به قول دیگری معتقد بودم. مثلاً در

۱۶۷/۳: لو نعلم قتالاً لاتبعناکم دو وجه گفته اند: ۱. «اگر این جنگ را واقعاً جنگ می دانستیم (که جنگ نیست بلکه خودکشی است) با شما به جنگ می آمدیم». ۲. «اگر با فنون جنگی آشنا بودیم». مرحوم مترجم قول دوم را برگزیده است. و اگر تفسیر با هیچ قولی و با ظاهر آیه نیز مطابق نبود (که به ندرت چنین بوده است) آن را حذف یا اصلاح کرده ام، مانند ۱۴۳/۳ که شرح آن گذشت.

در مورد یکدست سازی در ترجمه واژه ها اقدامی نکردم، زیرا این کار با سبک مترجم منافات داشت و نیز عملاً امکان پذیر نبود. در واژه هایی که همه یکدست ترجمه شده است (گرچه خیلی دقیق نبوده است) باز هم اصلاحی صورت نگرفت مانند عزیز حکیم که در همه جا «توانا و دانا» یا به همین مفهوم و مضمون ترجمه شده است، زیرا اولاً غلط نیست، ثانیاً گاهی عبارات به گونه ای است که قابل تبدیل نیست.

نکته آخر این که: هر کلمه یا جمله اضافه ای (چه به منظور تکمیل عبارت که باید در گروه [ ] آورده شود و چه به منظور شرح که عبارتی جدا و مستقل است و باید در پرانتز ( ) آورده شود) همه در پرانتز آورده شده است، زیرا شرح ایشان شرح مزجی است و عبارات به گونه ای است که دنباله متن خوانده می شود، مگر در موارد بسیار اندک که قابل ذکر نیست. در پایان، توفیق اتمام این عمل جانکاه و طاقت فرسا را برای خود؛ و توفیق چاپ و انتشار آن را به صورت مطلوب و دلپذیر و چشم نواز برای ناشر محترم و مقبول افتادن آن را نزد اهل نظر از خداوند متعال خواستارم.

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. اقتباس از منظومه معرفت (گذری بر زندگینامه علمی و اساتید استاد علامه حسن زاده آملی) با تصرف.
۲. شماره قبل از ممیز مربوط به سوره و بعد از ممیز مربوط به آیه، و فلش ← اشاره به ترجمه صحیح است.